

من محط يقينه وبعين اولوج نوري كالبان راجن وشياطين خوانند
از جنس ملكوت اسفل اند و بعضي از ایشان را بر لوح اسفل ملاحظه اند و اس
سید و رسل ایشان در دهن سر محیط ایشان بر جبین ایشان
سید قدرت و بعضی از ایشان قابل تکلیف اند و مخاطب بوی کس
نطقت به الذی بعة الحقیقة و علی الجمله پیش از دست نطق در حقیقت
و ما یست ایشان اختلاف است و هر یکی از مقام خود چیزی داده اند و شرح
آن دراز است درین مختصر نکتة اللوح انما الاشیاء کما هی
و سید ذاتا و استغلتا یک عین سیواک
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر

و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر
و بعد از آنکه در اسفل کوان با سلا توله هر که کوانتر

و صورتی که در آینه که در جنسی ضیائی میناید هم از صور این عالم است و هر موجودی را
کما یست اما کان صورتی درین عالم مناسب این عالم است و حکم او است بملکوت
و افلاک و غیره ارا و النفوس الا انشا ینته الکاملة ایضا بشکل
و نفهای لبند
کامله سینه منکلی بی شوند

فی هذا العالم بأشکال عینا اشکالهم المحسوسة و هم فی
درین عالم بشکلیکه غیر شکلهای محسوسه ایشان است و آن
دائر الدنیای و بکلمه و ن یصا علی من بریدون الظن مر علیه
دارد و شب باشند و ظاهر معنی با آن اشکال هر که خواهند ظهور روی بر ایس

لِقَوْلِهِ اَسْئَلُكُمْ مِنْ اَبَدِ اَيُّهُمْ وَ بَعْدَ اِسْتِقَالِهِمْ اِلَى الْاٰخِرَةِ
نزهت سیر و آن لبان از بدن های ایشان و بعد از استغال ایشان بوی آخره
ایضا کوان دیاد تلك القویة بان تقاع المانع البکد و هو کلام
بدر ظاهر سیر زینت بوده آن نوه بسبب نفع شدن آنی هر بی و ایشان

هم المسمون بالبکد اعلم انه لما كان عالم الارواح
سمی اند یعنی نفوس لبند به بدلا
معتقد ما بالوجود و المر تبلة علی عالم الاجسام و كان الابد
نفسم بوجود در مرتبه خود بر عالم اجسام و باشد اعداد

الربانی الواصل الی الاجسام موقوف فاعلی فوق سطح الارواح
ربانی که در اصل است بوی اجسام موقوف بر توسط ارواح
ببینها و بین الحق سبحانه و تدبیرها اعنی تدبیر الاجسام
سیان اجسام و میان حق سبحانه و تدبیر ایشان یعنی تدبیر اجسام

